

Original Article



Legitimacy of the Principle of Universal Jurisdiction as One of the Principles of Extraterritorial Criminal Jurisdiction

Ismail Ghamari ¹, Hoda Ghamari ^{2,*}

¹ Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Bakhtar Ilam Institute of Higher Education, Ilam, Iran

² Master of Laws, Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran



Citation Ismail Ghamari, Hoda Ghamari, **Legitimacy of the Principle of Universal Jurisdiction as One of the Principles of Extraterritorial Criminal Jurisdiction.** *J. Law Political Stud.*, 2023, 3(4), 254-265.

<https://doi.org/10.48309/jlps.2023.4.2>



Article info:

Received: 11 September 2023

Accepted: 07 October 2023

Available Online: 20 December 2023

ID: JLPS-2311-1082

Checked for Plagiarism: Yes

Keywords:

Legitimacy, universal jurisdiction, national courts, international crimes.

ABSTRACT

The principle of universal jurisdiction is a powerful tool in the service of international criminal justice. The principle of universal jurisdiction, under which states have the right and sometimes the obligation to prosecute and punish perpetrators of international crimes regardless of the place of commission, nationality of the perpetrators and their victims, has undergone a profound transformation in various dimensions. With the emergence of transnational crimes, the need for revision on the basis of territorial and personal jurisdiction has emerged. The concept of the principle of universal criminal jurisdiction, according to which the national courts of a country can prosecute a crime that has not occurred within the territory of that country, is not the subject of an accused or a defendant, and has not committed a crime against the interests of that country, has evolved in different dimensions. Crimes such as slavery and slave trade, piracy, racism, hostage-taking and air raids have been among the universal jurisdictional norms referred to in the article of the Islamic Republic of Iran.

مقاله پژوهشی

مشروعیت اعمال اصل صلاحیت جهانی به‌عنوان یکی اصول صلاحیت کیفری فراسرزمینی

اسماعیل قمری^۱، هدی قمری^{۲*}^۱استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی موسسه آموزش عالی باختر ایلام، ایلام، ایران^۲کارشناسی ارشد حقوق، گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

ارجاع اسماعیل قمری، هدی قمری، مشروعیت اعمال اصل صلاحیت جهانی به‌عنوان یکی اصول صلاحیت کیفری

فراسرزمینی، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲: ۲۶۵-۲۵۴.

doi <https://doi.org/10.48309/jlps.2023.4.2>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۰ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۵ مهر ۱۴۰۲

تاریخ آنلاین شدن: ۲۹ آذر ۱۴۰۲

آی دی مقاله: JLPS-2311-1082

بررسی شده با نرم افزار سرقت ادبی: بله

کلیدواژگان:

مشروعیت، صلاحیت جهانی، دادگاه‌های ملی، جنایات بین‌المللی

اصل صلاحیت جهانی ابزار قدرتمندی در خدمت عدالت کیفری بین‌المللی است. اصل صلاحیت جهانی که به‌موجب آن دولت‌ها حق دارند و گاهی تعهد دارند تا مرتکبان جنایات بین‌المللی را فارغ از محل ارتکاب، تابعیت مرتکبان و قربانیان آنها مورد تعقیب و مجازات قرار دهند، در ابعاد مختلف دچار تحول عمیقی شده است. با ظهور جرایم فراملی ضرورت بازنگری در مبانی صلاحیت سرزمینی و شخصی شکل گرفت و به دنبال آن صلاحیت جهانی به‌عنوان مبنای قانونی رسیدگی به جرایم بین‌المللی وارد حقوق داخلی دولت‌ها گردید. صرف‌نظر از منشأ (عرفی یا قراردادی بودن) و ماهیت (الزامی یا اختیاری بودن) صلاحیت جهانی، اعمال صلاحیت جهانی نیازمند شرایطی است که از منابع مختلف حقوق بین‌الملل قابل استخراج است. مفهوم نخستین اصل صلاحیت کیفری جهانی که بر اساس آن، دادگاه‌های ملی یک کشور می‌تواند به جرمی رسیدگی نماید که نه در قلمرو آن کشور واقع شده است، نه متهم یا بزه‌دیده تبعه اوست و نه جرم علیه منافع آن کشور ارتکاب یافته است، در ابعاد مختلف تحول یافته است. معیار اصلی در اعمال این نوع صلاحیت، نوع جرم ارتكابی و دستگیری مجرم است و صرفاً دربرگیرنده جرایمی است که مشمول صلاحیت سرزمینی قرار نگرفته و جرم‌انگاری آن، فراتر از مرزهای ملی بوده و کلیه کشورها را در صورت تحقق آن با واکنش مواجه و به همین خاطر در صورت دستگیری مجرم، همان دادگاه محل دست‌گیری صلاحیت رسیدگی را خواهد داشت. جرایمی مثل برده‌داری و تجارت برده، دزدی دریایی، نژادپرستی، گروگان‌گیری و هواپیماربابی از مصادیق اعمال صلاحیت جهانی بوده که در ماده جمهوری اسلامی ایران به اشاره شده است.

مقدمه

دولت هستند. بر اساس این اصل، قوانین جزایی وسعت بین‌المللی پیدا می‌کنند و در همه جای دنیا باید رعایت شوند در راستای همین اصل است که هریک از دولت‌ها به‌عنوان نماینده جامعه جهانی صلاحیت تعقیب جزایی مجرمین را دارا خواهند بود. معیار اصلی در اعمال این نوع صلاحیت، نوع جرم ارتكابی و دستگیری مجرم است و صرفاً دربرگیرنده

اصل صلاحیت جهانی قوانین کیفری یکی از اصول مهم در امور بین‌الملل، تعیین صلاحیت کشورها و قوانین کیفری است به‌موجب آن دولت‌ها مدعی صلاحیت کیفری بر اشخاص مرتکب جرم در خارج از مرزهای صلاحیت خود فارغ از تابعیت کشور محل اقامت و هرگونه رابطه‌ای با آن

همچنین برای اجرای صلاحیت جهانی و متناسب با شیوه‌های اعمال آن، شرایط لازم است درعین حال موانع و محدودیت‌های متعدد حقوقی، سیاسی و ملی بر سر راه اعمال این صلاحیت وجود دارد که کاملاً یا غالباً «قابل‌رفع خواهند بود». نگرش به اصل صلاحیت جهانی در هر یک از نظام‌های حقوقی موجود، تقریباً به گونه‌ای است که در بالا بیان شد، علاوه بر این امروزه رژیم‌های مختلفی از قانون‌گذاری داخلی در این زمینه وجود دارد قانون ایران در این مورد تلاش در جهت همسان‌سازی با قوانین و مقررات بین‌الملل است.

۱- مبانی نظری

همه ملت‌ها با پیوندی مشترک با یکدیگر متحدند و فرهنگ‌های آنان میراث مشترک را تشکیل می‌دهد، نگران از اینکه این ترکیب ظریف هر لحظه ممکن است از هم بگسلد. طی این قرن میلیون‌ها کودک، زن و مرد قربانی فجایع و ددمنشی‌های غیرقابل‌تصوری شده‌اند که وجدان بشریت از آن به‌شدت یکه خورده است. تأکید بر اینکه شدیدترین جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی می‌شود، نباید بدون مجازات بماند؛ بلکه لازم است تعقیب مؤثر مرتکبین آن جنایات با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و نیز تقویت همکاری بین‌المللی تضمین گردد. وقوع جرائم در صحنه بین‌المللی حادثه نوپایی به شمار نمی‌رود. از دیرباز دولت‌ها با توسعه صلاحیت کیفری خود از طریق تمسک به اصل صلاحیت جهانی سعی در تعقیب جنایت‌کاران بین‌المللی کرده‌اند. از سوی دیگر جامعه بین‌المللی به‌موجب معاهدات بین‌المللی، با توسعه دامنه جرائم مشمول این اصل سعی در ایجاد سازوکارهای حقوقی لازم برای جلوگیری از بی‌کیفری این جنایت‌کاران کرده است. علاوه بر این دولت‌ها هنگام مواجهه با خطرات ناشی از جرائم دارای اثر فراملی، ملاک‌ها و معیارهای مختلفی را برای تعیین ماهیت صلاحیت دادگاه‌های خود برانگیخته‌اند تا با اتکا به آنها صلاحیت دادگاه‌های ملی را به جرائم فراملی توسعه داده و موجبات تعقیب مرتکبان آن را فراهم نمایند، (شریعت باقری، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

جرائمی است که مشمول صلاحیت سرزمینی قرار نگرفته و جرم‌انگاری آن، فراتر از مرزهای ملی بوده و کلیه کشورها را در صورت تحقق آن با واکنش مواجه و به همین خاطر در صورت دستگیری مجرم، همان دادگاه محل دستگیری صلاحیت رسیدگی را خواهد داشت. جرائمی مثل برده‌داری و تجارت برده، دزدی دریایی، نژادپرستی، گروگان‌گیری و هواپیماریابی از مصادیق اعمال صلاحیت جهانی بوده که در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره شده است. برخی از جرائم نه تنها به نظم عمومی محل وقوع بلکه به نظم عمومی بین‌المللی لطمه می‌زنند به گونه‌ای که می‌توان گفت در این موارد، منافع اساسی بشریت مورد صدمه قرار می‌گیرد. به‌منظور جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مرتکبان این گونه جرائم، اصلی به نام اصل صلاحیت جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است. اصلی که بر اساس آن، دادگاه‌های ملی یک کشور به جرمی رسیدگی می‌نمایند که نه در قلمرو آن کشور واقع شده است نه متهم یا بزه دیده، تبعه اوست و نه جرم علیه منافع آن کشور ارتکاب یافته است در طول چند قرن گذشته، مفهوم نخستین این اصل، در ابعاد مختلف، تحول یافته است. به طوری که مثلاً «از حق انتخاب برای تعقیب یک جرم دزدی دریایی در گذشته تئوری صلاحیت جهانی از طریق عرف و معاهدات دو یا چندجانبه توسعه یافته است به مرحله‌ای که حالا دولت‌ها حتی تعهد به انجام مجازات جدیدترین جرائم موضوع اصل را می‌پذیرند. از نظر مبانی، برحسب اینکه صلاحیت جهانی بر مبنای نفع مستقیم دولت یا حاکمیت آن توجیه شود یا رضایت و توافق سایر دولت‌ها آن را موجود سازد و یا قدرتی مافوق توافق‌های بشری ناشی از حقوق الهی یا حقوق طبیعی، ضرورت آن را ایجاب نماید سه شیوه مختلف صلاحیت جهانی: مستقل، تفویضی یا قراردادی و مطلق خواهیم داشت که سیر تحول آن‌ها به سوی اصل صلاحیت جهانی مطلق است. در شکل اخیر، صرف ماهیت جرم کافی است تا دولت حتی بدون شرط حضور مرتکب در قلمرو این دولت، نسبت به تعقیب و مجازات او اقدام نماید.

سپس، باتوجه به پذیرش اعمال این اصل نسبت به جرائم مختلف بین‌المللی از سوی دولت‌ها، اعمال آن را فقط در مورد شدیدترین جنایات یعنی نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات بر ضد بشریت مورد مطالعه قرار می‌دهیم. شایان ذکر است که صلاحیت جهانی علاوه بر موارد کیفی، در امور مدنی نیز از سوی دولت‌ها پذیرفته شده و اعمال می‌گردد، اما ما فقط به بررسی اعمال آن در امور کیفری، به‌ویژه قلمرو حقوق بشر دوستانه، خواهیم پرداخت. ما در این پژوهش قصد نداریم تنها به بررسی تئوریک یک اصل بپردازیم، بلکه ضمن توجه و پرداختن به مباحث تئوریک، بیشتر به عملکرد جامعه بین‌المللی و به‌ویژه دولت‌ها و مسئله پذیرش یا عدم‌پذیرش این اصل توسط جامعه جهانی می‌پردازیم. در این پژوهش، اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده و سپس این اطلاعات مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۲- اصل صلاحیت جهانی

صلاحیت در لغت به معنای شایسته بودن، درخور بودن، سزاواری و اهلیت است، (عمید، ۱۳۷۱: ۸۲۶).

و در اصطلاح به توانایی یا اختیار حقوقی برای استماع و اتخاذ تصمیم در مورد پرونده‌ها، قدرت اجرای قانون و عدالت، اختیار یا حق اعمال حاکمیت، گستره قلمرو حاکمیت و محکمه قانونی یا نظام محاکم قانونی گفته شده است در یک برداشت موسع صلاحیت، قدرت و توانایی قانونی یک ارگان یا یک مقام دولتی برای انجام فعالیت‌های قانونی تعریف شده است، (مولایی، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

از نظر حقوقی صلاحیت عبارت است از استعداد یک دادگاه برای رسیدگی به یک دادرسی مشخص، (لواسور و همکاران، ۱۳۷۸: ۵۸۱).

بنابراین، وقتی دادگاه اجازه رسیدگی به موضوعات مشخصی را دارد گفته می‌شود که در این موضوع دارای صلاحیت است. در امور کیفری نیز صلاحیت به توانایی و شایستگی قانونی و نیز تکلیف مرجع قضایی به رسیدگی به یک دعوای کیفری تعبیر می‌شود (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹).

مبارزه با پدیده مجرمانه بین‌المللی از طریق اصول سنتی تعیین‌کننده صلاحیت در دادگاه‌های داخلی، یعنی اصل صلاحیت سرزمینی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب یا قربانی و صلاحیت حمایتی امکان‌پذیر نبوده است. چه اینکه شرایط و موانع اعمال این اصول سبب ایجاد محدودیت برای دولت‌ها در تعقیب جنایات بین‌المللی شده و از طرفی در بسیاری از موارد مرتکبان این جنایات اگر صاحب‌منصبان نباشند، از حمایت آنان برخوردار خواهند بود، ضمن اینکه تکیه بر این اصول محدود به موارد خاصی است که جنایت در قلمرو سرزمینی دولت واقع شده باشد، مرتکبان یا قربانیان تبعه آن دولت باشند و یا جنایت علیه منافع اساسی آن واقع شده باشد. در نتیجه اعمال هیچ‌یک از این اصول جوابگوی نیاز بشر در مورد جلوگیری از بی‌کیفری کسانی که اعمال آنان علیه کل جامعه بشریت ارتکاب می‌یابد، نبوده است. به همین علت این جنایت‌کاران هیچ‌وقت به سزای عمل خود نرسیده‌اند. به‌مرور زمان به‌ویژه در پی آموزه‌های حقوق بشری، این خلأ احساس شد و جامعه بین‌المللی که مبارزه با ناقضان منافع مشترک بشریت را به‌عنوان دشمن مشترک امر ضروری قلمداد می‌کرد، در پی چاره یابی بود. از آنجایی که پایبندی به اصل حاکمیت مانع شکل‌گیری یک مرجع قضایی مشترک و فراملی بود، توجه به دادگاه‌های داخلی معطوف می‌گشت. در این مقاله پژوهشگر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا جایگاه اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری ایران و نیز حقوق جزای بین‌الملل دارای اعتبار یکسانی است؟ در پاسخ به سؤال فوق، این فرضیه مطرح می‌شود که؛ اصل صلاحیت جهانی در حقوق جزای بین‌الملل نسبت به حقوق ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر شناخت اصلی است که قادر است با محاکمه جنایت‌کاران بین‌المللی، جامعه بشری را از لوٹ وجود آن‌ها پاک نماید. بر اساس این اصل مرتکبان جنایات بین‌المللی از تعقیب، محاکمه و مجازات مصون نخواهند بود. بدین منظور ابتدا اعمال اصلی به نام صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل کیفری را مورد بررسی قرار داده؛

تکالیف و تعهدات ناشی از کنوانسیون‌های بین‌المللی ایجاد شده است و به دولت‌ها توصیه و گاهی تکلیف شده است که نسبت به چند جنایت خاص اعمال صلاحیت نمایند و چون این جنایات در قلمرو سایر دولت‌ها ارتکاب یافته‌اند، دولت‌ها مجبور هستند تا در مورد صلاحیت جهانی از تعریف کلاسیک دور شده و بر اساس تعریف جدید عمل نمایند. به این ترتیب، با توجه به محدوده سایر اصول، یعنی صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی، هرگاه دولت‌های صاحب این صلاحیت‌ها هیچ اقدامی در زمین تعقیب مجرمین و جنایت‌کاران به عمل نیاورند، دولت‌هایی که هیچ ارتباطی با متهم ندارند، تنها به دلیل وصف بین‌المللی بودن جرم یا جنایت، صلاحیت خود را اعمال می‌نمایند. البته این صلاحیت می‌تواند هم به طور حضوری و هم به صورت غیابی نسبت به متهم اعمال شود که در ادامه به این مسئله خواهیم پرداخت. دولت‌ها در اعمال صلاحیت‌های شخصی، سرزمینی و واقعی ذی‌نفع هستند و برای حفظ نظم عمومی و منافع خود اقدام می‌نمایند. اما در اعمال صلاحیت جهانی برای دولت‌ها هیچ نفع مستقیمی وجود ندارد، بلکه تنها یک مسئله مطرح است و آن هم تعهد دولت‌ها بر اساس حقوق ناشی از معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی است که زمینه اجرای این صلاحیت را فراهم می‌سازد و این خود مستلزم وجود یک نوع نفع است و آن برقراری نظم، صلح و امنیت بین‌المللی است، (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۵: ۱۱۸).

۳- موضوع صلاحیت جهانی

در گذشته تنها دو جرم دزدی دریایی و برده‌داری موضوع این نوع صلاحیت بودند؛ اما در طی چند قرن اخیر، قاعده صلاحیت جهانی اندکی از شکل ابتدایی خود خارج شده و تکامل یافته است. این اصل نه تنها دزدان دریایی، بلکه فهرست کامل‌تری از جنایات بین‌المللی، از جمله تجارت برده، نسل‌کشی، شکنجه و غیره را شامل می‌شود. این فهرست به موازات گستردگی ابعاد قواعد بین‌المللی وسیع‌تر شده است. در دهه گذشته، کاربرد صلاحیت جهانی توسط دولت‌ها با

صلاحیت در امور بین‌المللی ماهیتاً با مفهومی که از صلاحیت در امور داخلی مور توجه است، متفاوت است؛ چه آنکه در امور بین‌الملل صلاحیت از سوی جمعی از دولت‌ها اعمال می‌شود که امکان تعارض آن با صلاحیت و حاکمیت دولت‌های معین مطرح است. بنابراین، صلاحیت یک مرجع کیفری بین‌المللی از زوایای مختلف زمانی، مکانی، شخصی، اجرایی و..... قابل بحث و بررسی است، (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۲۲).

در تعریف کلاسیک از صلاحیت جهانی گفته شده است توسعه قلمرو حقوقی و قضائی یک کشور نسبت به اعمال ارتكابی در مناطق خارج از مسئله دزدی دریایی در دریاها، آزاد یا در خارج. قلمرو حاکمیت دولت‌ها است از قلمرو همه کشورهای، بدین‌گونه حل شده است که هر دولتی محق برای توقیف، محاکمه و مجازات نمودن یک کشتی مظنون به دزدی دریایی است. این موضوع مثال کلاسیک برای صلاحیت جهانی است، یعنی حق هر کشور برای دستگیری و محاکمه یک شخص به اتهام جرائمی مشخص که به طور بین‌المللی تعریف شده‌اند، (شاول، ۱۳۸۹: ۲۱۸).

در گذشته این تعریف تنها مشمول جرم دزدی دریایی می‌گردید که در دریای آزاد و خارج از قلمرو همه دولت‌ها ارتکاب می‌یافت. بدیهی است که مناطق خارج از قلمرو حاکمیت دولت‌ها تنها دریای آزاد نیست، بلکه قسمتی از هوا و فضا را نیز شامل می‌شود، با تحولات جدید در حقوق بین‌الملل و گسترش دامنه اعمال صلاحیت جهانی از جرم دزدی دریایی به جرم و جنایات بین‌المللی، دیگر نمی‌توان بر اساس تعریف کلاسیک صلاحیت جهانی عمل کرد. قواعد حقوق بشری حکایت از آن دارد که صلاحیت جهانی مشمول تجارت برده، نسل‌کشی، جرائم خاص جنگی و جرائم علیه بشریت می‌شود. صلاحیت جهانی در مورد این‌گونه جرائم محدود به مواردی نمی‌شود که این جرائم در مناطق خارج از قلمرو همه کشورهای ارتکاب می‌یابند. مهم‌ترین مفاهیم جدیدی که در چند دهه اخیر پدید آمده، مفاهیمی است که به سبب

جهانی یک اصل حقوق بین‌الملل با ریشه و ماهیت عرفی است که به تمام دولت‌ها اجازه اعمال قوانی نشان را نسبت به یک جرم می‌دهد حتی اگر آن در خارج از سرزمینشان و توسط یک غیرتبعه ارتکاب یابد و اتباعشان از این قضیه صدمه ندیده باشند، (شریعت باقری، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

اعمال نظریه صلاحیت جهانی به طور عمده در این موارد به این مفهوم وابسته است که برخی از جرائم آنقدر فجیع هستند که وجدان جامعه جهانی را جریحه‌دار می‌سازند و به‌راستی آن‌ها تمدن بشری را هم به مخاطره می‌اندازند؛ بنابراین هر دولتی ممکن است به‌عنوان نماینده تمام بشریت مرتکبان جرم را مجازات نماید. این جرائم اغلب توسط دولت‌ها یا کسانی که مأموران دولت هستند، ارتکاب می‌یابند؛ بنابراین به‌احتمال زیاد توسط خود آن دولت مورد محاکمه قرار نمی‌گیرند و به همین دلیل صلاحیت جهانی به طور سنتی به‌عنوان یک مبنای آسان‌تر برای اعمال صلاحیت دولت‌ها و اجرای عدالت در نظر گرفته شده است. البته این صلاحیت به شکل روزافزونی توسط معاهدات بین‌المللی گسترش یافته و اجرای آن توصیه و یا تکلیف شده است. البته همان‌طور که می‌دانیم ریشه اصل یا محاکمه کن یا مسترد کن بین‌الملل عرفی یافت می‌شود. امروزه صلاحیت جهانی تغییر شکل و ماهیت داده است. تا چند دهه قبل وقتی صحبت از صلاحیت جهانی می‌شد، بیشتر این مسئله مدنظر بود که جرمی در جایی واقع شده که در صلاحیت سرزمینی هیچ کشوری نیست خارج از قلمرو دولت‌ها و طبق اصل صلاحیت جهانی هر که مجرم را می‌یافت، می‌توانست او را مجازات نماید، (آزمایش، ۱۳۸۱: ۳۷).

اما امروزه ما با توسعه صلاحیت جهانی مواجه هستیم و دولت‌ها به‌موجب قوانین خاص در حقوق داخلی خود، یا به‌موجب معاهدات بین‌المللی برای خویش صلاحیت جهانی به‌نوعی وضع نموده‌اند که قادر هستند جرائم واقع شده در قلمرو دولت‌های دیگر را نیز مورد رسیدگی قرار دهند، (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

سرعت بیشتری روبه‌رشد بوده است. مذاکرات گسترده بر سر ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری دائمی که بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ انجام گرفت، فرصتی برای مذاکرات و بازنگری‌های اساسی در مورد دکترین صلاحیت جهانی فراهم آورد. در خصوص اینکه چه جرائمی مشمول این نوع اعمال صلاحیت هستند، تاکنون بحث و گفتگوهای بسیاری صورت گرفته است و باتوجه به تفکیکی که در خصوص جرائم بین‌المللی و جنایات بین‌المللی انجام شد، روشن می‌شود که صلاحیت جهانی نسبت به کدام یک از این نوع افعال اعمال خواهد شد. آیا این صلاحیت علاوه بر جنایات بین‌المللی مشمول جرائم بین‌المللی هم می‌شود یا نه؟ (کریم پور، ۱۳۸۴: ۳۳).

نکته قابل توجه این است که وقتی کمیسیون حقوق بین‌الملل مسئول جمع‌آوری فهرست جرائم بین‌المللی گردید، هر دو دسته جرائم بین‌المللی و جنایات بین‌المللی را در تعریف خود آورد و به تفاوت بین آن‌ها اشاره نمود. مسئله دیگر این است که دولت‌ها محدوده صلاحیت ملی خود را توسعه داده و برای اعمال صلاحیت جهانی آرام آرام از شمول جنایات بین‌المللی فراتر رفته و بسیاری از جرائم بین‌المللی را نیز مشمول اعمال این نوع صلاحیت نمودند و ما شاهد آن هستیم که کنوانسیون‌های بسیاری در مورد تروریسم، هواپیما ربائی و منعقد گردیده و مرتباً دامنه شمول تعهدات دولت‌ها را گسترش می‌دهند. درحالی‌که بعضی از دولت‌ها تنها در سه مورد نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، صلاحیت جهانی برای خود وضع نمودند. در هر صورت در حال حاضر سیر حوادث به سوی پیشرفت و توسعه صلاحیت نسبت به سایر موارد ادامه دارد، (مولایی، ۱۳۷۵: ۱۱۹).

دادگاه‌های داخلی به طور سنتی تنها نسبت به جرائمی که در قلمروشان اتفاق افتاده باشد، صلاحیت رسیدگی دارند، اما اقدامات آن‌ها جهت تعقیب و محاکمه خارجیان در خصوص جرائم بین‌المللی ارتکاب یافته خارج از مرزهایشان رو به گسترش است. آن‌ها در اجرای این خواسته خود نظریه‌های صلاحیت جهانی را به کار گرفتند. در این معنا، صلاحیت

جایگاه بالاتری از تمدن بشری است؛ اگرچه در حال حاضر هم منافع دولت‌ها سبب محدودیت اجرای اصل صلاحیت جهانی می‌گردد. به نظر می‌رسد که در یک‌صد سال اخیر طرح مفهوم این اصل یعنی صلاحیت اصل صلاحیت جهانی رو به گسترش بوده است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که مفهوم جهانی بودن کیفر اولین بار در قوانین ژوستینین مطرح شده است، براین اساس هنگام تعیین حوزه صلاحیت کیفری فرمانداران، هم دادگاه محل وقوع جرم و هم دادگاه محل دستگیری مجرم دارای صلاحیت کیفری هستند. عده‌ای معتقدند تفسیر بعضی از حقوق‌دانان سبب تبدیل محل دستگیری به محل اقامت شده است، (حسینی نژاد، ۱۳۹۱: ۸۴).

در سراسر قرون وسطی در ایتالیا و در قوانین شهرهای لمبادی این مسئله پذیرفته شده بود که اگر مجرمی بدون کیفر مانده باشد و در یکی از این شهرها دستگیر شود، قاضی محل دستگیری باید او را محاکمه کند. حقوق‌دانان آلمانی و هلندی در قرن ۱۷ نیز بر این عقیده بوده‌اند که محکمه محل دستگیری متهم می‌تواند به اتهام او رسیدگی کند. گروسوس که در آغاز قرن ۱۷ ارزش کامل فلسفی فرضیه صلاحیت جهانی را بیان می‌کند، چنین می‌گوید: در هنگام ارتکاب یک جرم علاوه بر نقض حقوق طبیعی، به‌تمامی بشریت توهین شده است و درحالی‌که این حقوق طبیعی مدون نشده، اما در وجدان افراد نقش بسته است و تعهدی که این حقوق جهت مجازات مجرم در ضمیر بشر ایجاد می‌کند، تعهدی جهانی است و برای دولتی که متهم در حوزه او دستگیر شده است، به‌صورت یک امر به‌اصطلاح واجب تخییری است که یا خود متهم را پس از محاکمه، کیفر دهد و یا او را به دولتی مسترد کند که جرم در قلمرو او واقع شده است. فرضیه صلاحیت جهانی، عدالت را مبنای صلاحیت قاضی محل دستگیری متهم می‌داند. به نظر گروسوس یک دولت از اجتماع ارادی افرادی تشکیل یافته است که مأموریت دارند آرمان عدالت را مطابق ماهیت معقول بشری اجرا کنند و هرگاه دولتی مجرمی را مورد کیفر قرار

۴- تاریخچه اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری ایران
صلاحیت جهانی، برای اولین بار در سال ۱۸۳۰ وارد قانون کیفری اتریش گردید. بر طبق این قانون قطع نظر از جرائم علیه امنیت و اعتبار مالی دولت که موضوع مقررات خاص است، صلاحیت قاضی اتریشی، ناظر بر همه جرائمی است که در کشوری دیگر توسط فرد بیگانه‌ای صورت گرفته باشد. با کمی تغییر، همین قاعده در قانون ۱۸۵۲ آن کشور نیز دیده می‌شود. این صلاحیت در آنجا جنبه‌ای کلی به خود می‌گیرد و تمام جرائمی را شامل می‌شود که عموم مردم از آن نفرت دارند و قانون کیفری همه کشورها، نیز مجازاتی برای آن‌ها مقرر داشته است. حتی این قانون، جرائمی کم‌اهمیت‌تر مانند دزدی همراه با کیفیات مشدد، کلاهبرداری و خیانت‌درامانت را هم در بر می‌گیرد نهایتاً قانون سال ۱۹۲۵ اتریش به دادگاه‌های آن کشور صلاحیت جهانی اعطا نمود. در سال ۱۸۸۹ اصل صلاحیت جهانی به قانون ایتالیا نیز راه یافت و به‌غیر از جرائم علیه امنیت و اعتبار مالی کشور، محاکم ایتالیا را برای رسیدگی به جرائم ارتكابی بیگانگان علیه بیگانگان در خارج از ایتالیا نیز صالح دانست، مشروط بر اینکه کیفر این جرائم از سه سال حبس کمتر نباشد. قانون نوژ نیز در سال ۱۹۰۲ همین اصل را پذیرفت. قانون کیفری روسیه در سال ۱۹۰۳ صلاحیت خود را نسبت به بعضی از جرائم که بیگانگان در خارج از روسیه مرتکب می‌شوند، تعمیم داد به‌هرحال ملاحظه قوانین موضوعه کشورها نشان می‌دهد که قانون‌گذاران کشورها از اوایل قرن ۱۸ دزدی دریایی و برده‌داری را جرمی که می‌بایست مشمول صلاحیت جهانی قرار گیرد، قلمداد نموده‌اند، (خالقی، ۱۳۸۲: ۱۶).

برخی معتقدند اصل صلاحیت جهانی؛ مانند دفاع مشروع ریشه در حقوق طبیعی دارد. در واقع گرا حق طبیعی دفاع از خود بر ماهیت بنیادین قواعد حقوق بشری پایه‌گذاری شده باشد، حق طبیعی مجازات دشمنان بشریت از نظر منطقی در

معنای خود را از دست می‌دهد «این امر که دولتی بتواند جرائم ارتكابی در داخل کشور خود را تحت تعقیب قرار دهد» تجلی منطقی اعمال حاکمیت یک کشور مستقل بوده و کاملاً معقول است؛ زیرا مقامات یک کشور مسئول اجرای قانون و حفظ نظم در داخل کشور خود هستند (شاو، ۱۳۸۹: ۴۰۱).

اما پیشرفت‌های که بشر امروز شاهد آن است، بیش از گذشته سرنوشت انسان‌ها را به هم پیچیده و سبب ایجاد ارزش‌های مشترک بشری شده است. هرچه ارتباط جوامع نزدیک‌تر شود و بیش‌تر به‌سوی هدف‌ها و منافع حرکت نمایند، حفظ انسجام و یکپارچگی جامعه جهانی پیچیده‌تر و از طرفی ضروری‌تر شده، و درنهایت نظم ویژه خود را می‌طلبد. به‌گونه‌ای که جامعه جهانی باید همانند هر جامعه دیگر برای صیانت از ارزش‌های مشترک، ساختار و رهیافت‌های موردنیاز را ترسیم و اجرا کند. یکی از ارزش‌های مشترک و شاید مهم‌ترین ارزشی که توجه جامعه جهانی را به خود معطوف کرده «حفظ صلح، آرامش و امنیت» است (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۸۹).

– ضرورت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین

یکی از اهداف عمده‌ی حقوق جزای بین‌الملل، جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین است. درواقع یکی از اهداف و مبانی پیش‌بینی اصل صلاحیت جهانی، سرکوب رفتارهایی است که نتیجه‌ی آن، آسیب به منافع کل جامعه‌ی بین‌المللی و به تعبیر رساتر همه‌ی بشریت است. بدین منظور هم حقوق بین‌الملل کیفری رسیدگی به جرم این مجرمین را به دادگاه‌های ملی واگذار کرده است و با اعطای صلاحیت رسیدگی به همه‌ی دولت‌ها، در تعقیب و محاکمه این افراد، در پی آن است که همه‌ی این افراد روزی در جایی از دنیا به سزای اعمال خود برسند. به‌موازات پذیرش رژیم مسئولیت، بنا بر اهمیت اعمال خلاف در گستره حیات بین‌المللی، مقوله مسئولیت کیفری بین‌المللی که ناظر به سرکوبی و مجازات است طرح می‌شود. امری که بنا بر اصول بین‌المللی کیفری که «هیچ مجرمی نباید

می‌دهد، از قانونی برتر از دولت‌ها و افراد تبعیت می‌کند. پین هرا فریرا^۱ معتقد است قوانین کیفری مجرم را بدان علت مجازات نمی‌کنند که با ارتکاب جرمی به این یا آن کشور صدمه وارد کرده است، بلکه این کیفر از آن‌جهت است که مجرم با ارتکاب جرم نسبت به مجنی علیه به بشریت آسیب رسانده است. این شخص در کلیه محاکم جهان متهم است و دادگاه هر کشوری باید او را برای مراجع قضائی کشوری جلب کند که قانون او نقض شده است و آن قاضی که چنین مجرمی را بی کیفر می‌گذارد، خود معاون اول در جرم محسوب می‌شود، (رستم زاده، ۱۳۸۴: ۲۳).

واضح است که هرگاه صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی و صلاحیت واقعی کاربرد نداشته باشند، نظام صلاحیت جهانی چاره‌ای حقوقی در برابر قاضی است. اما آیا مفهوم عدالت جهانی که این نظام از آن ناشی شده است، ملاکی برای تعیین هر یک از این صلاحیت‌ها است و قانون قابل اجرا را مشخص می‌نماید؟ در این پژوهش، به نحوه شکل‌گیری این اصل و رویه دولت‌ها، چه در مرحله قانون‌گذاری و چه در مرحله اجرای قانون می‌پردازیم؛ و برای درک بهتر رشد و توسعه مفهوم صلاحیت جهانی، به تأثیر قواعد حقوق بشردوستانه اشاره می‌نماییم و به تفصیل به بررسی این قواعد می‌پردازیم، چراکه همیشه گسترش قواعد حقوق بشردوستانه و احترام به این قواعد و پذیرش آن تحت عناوین قواعد آمره یا قواعد عرفی و نیز تدوین آن در معاهدات، مستلزم یافتن راه‌حلهایی برای اجرای بهتر این قواعد بوده است و یکی از این راه‌حل‌ها توسل به اصل صلاحیت جهانی است.

۵- مبانی اصل صلاحیت جهانی

اصل صلاحیت سرزمینی یکی از اساسی‌ترین اصول صلاحیت قوانین کیفری است که از ابتدای تشکیل دولت‌ها و جود داشته است. این اصل از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان ادعا کرد بدون وجود آن، اقتدار و حاکمیت یک کشور

¹ Pin Hera Ferreira

جامعه‌ی جهانی قبیح و قابل سرزنش محسوب می‌شوند که مرتکبین آنها را می‌توان دشمن همه‌ی ملل فرض کرد و هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمی را خواهد داشت. این اصل استثنایی بر اصل درون‌مرزی بودن حقوق جزاست. در واقع این جرائم اصولاً چندان بزرگ و مضر به حال بشر است که نه تنها نظم محل ارتکاب جرم، بلکه نظم بین‌المللی را هم خدشه‌دار می‌کند. وقوع جرائم متعدد و مکرر بین‌المللی مخصوصاً جرایمی که به وسیله گروه‌های مجهز و خطرناک جنایت‌کاران ارتکاب می‌یابد ایجاب می‌کند که برای پیشگیری از وقوع جرائم خطرناک و جلوگیری از فرار این تبهکاران یک همکاری بین دولت‌ها وجود داشته باشد این همکاری به گونه‌های مختلف ایجاد و روزبه‌روز توسعه یافته است و اصل صلاحیت جهانی نیز یکی از مهم‌ترین این پیشرفت‌ها و یکی از صور پیشرفته همکاری است که مورد قبول حقوق‌دانان جهان قرار گرفته و اغلب کشورها با وضع قوانین داخلی و شرکت در قراردادهای چندجانبه اصول آن را پذیرفته‌اند تا بدین ترتیب بتوانند نظم بین‌المللی که امروزه یکی از مهم‌ترین شرایط زندگی آسوده در جهان است را تأمین نماید. در دیپلاچیه‌ی اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری هم به این مطلب؛ یعنی حفظ نظم عمومی بین‌المللی کراراً اشاره شده است از جمله در یک فراز آمده است «... با تأکید بر اینکه فجع‌ترین جنایاتی که موجب اضطراب بین‌المللی می‌شود نباید بدون مجازات بماند...» یا در جایی دیگر آمده است «...اندیشناک از اینکه طی این قرن میلیونها کودک، زن و مرد قربانی فجایع و ددمنشیهای غیر قابل تصویری شده‌اند که وجدان بشریت از آن به شدت یکه خورده است...».

عالم حقوق اثباتی پین هرافیرا می‌گوید: «قوانین کیفری، مجرم را بدان علت کیفر نمی‌دهند که با ارتکاب جرمی این یا آن کشور را ننگین کرده است؛ بلکه این کیفر از آن جهت است که مجرم، با ارتکاب جرم نسبت به شخص مجنی علیه به بشریت آسیب رسانده است این شخص، متهم کلیه محاکم جهان است و دادسرای هر کشوری باید او را به محکمه

بدون مجازات باقی بماند» منطقی جلوه می‌کند، (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۵: ۲۲۱).

بنابراین مکانیسم صلاحیت جهانی، به دستگاه‌های قضایی دولت‌ها مأموریت بین‌المللی اعطا می‌نماید و اجازه می‌دهد که مرتکبین جرائم مهم را در شرایطی که دادگاه‌های صلاحیت دار ناتوان از اجرای مأموریت خود در محاکمه ی این افراد می‌باشند، آنها را مورد محاکمه قرار دهد و به کیفر اعمال خود برساند.

- ضرورت حفظ نظم عمومی محل دستگیری مجرم

نفع کشورهای پناهگاه در این است که از شر شخص تبهکار که ممکن است در خاک آن کشور نیز مرتکب جرم شود رهایی یابد و به این ترتیب کشورش پناهگاه جنایت‌کاران نگردد و با تسلیم این‌گونه افراد، یک اقدام تأمینی به سود کشور در جامعه خود انجام دهد و همچنین می‌تواند متقابلاً از کشورهای دیگر نیز توقع داشته باشد که مجرم فراری که به منافع آن زیان وارد نموده را نیز مجازات نمایند. در واقع کیفر دادن چنین مجرمی در محل پناهگاه لازم‌تر است تا در محل وقوع جرم، زیرا مسلماً در محل وقوع جرم تنها مردم را به وحشت افکنده است؛ ولی از آنجا ناپدید شده است؛ اما در کشور پناهگاه برعکس مردم که از جرم او خبردار شده‌اند گرفتار ترس بیشتری می‌گردند؛ چون خطر نزدیک آن‌ها است. البته باید خاطر نشان نمود که عده‌ای این نظریه را به عنوان یکی از مبانی اصل صلاحیت جهانی اغراق‌آمیز دانسته‌اند و برای تعدیل آن می‌گویند: «دولتی که مجرم را دستگیری کند تاحدی که وجود این مجرم برای او زیان‌بار است او را کیفر می‌دهد و اگر تعقیب این مجرم برای دولت به منظور همکاری با حقوق کیفری بین‌الملل نباشد، تعقیب در این شرایط نشانه‌ای از خودخواهی است»، (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۹۲: ۳۷۷).

- ضرورت حفظ نظم عمومی بین‌المللی

گفته شد که اصل صلاحیت جهانی بر این فرض مبتنی است که برخی از جرایم، آن چنان در نظر همه‌ی افراد

ملی، موکول به وضع قانون برای اعلام چنین صلاحیتی است، (خالقی، ۱۳۸۲: ۲۶).

در صورت فقدان معاهده، حقوق عرفی، اصل صلاحیت جهانی را به عنوان مسئله‌ای اختیاری و نه اجباری مطرح می‌کند. برای مثال در کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ اشاره‌ای به اصل صلاحیت جهانی نشده است. لیکن برخی از حقوق‌دانان اعمال این اصل را بر مبنای حقوق بین‌المللی عرفی امکان‌پذیر دانسته‌اند. برخی نیز امکان این رسیدگی را علاوه بر نسل‌کشی در مورد جنایات علیه بشریت نیز مورد تأکید قرار داده‌اند بنابراین، دادگاه‌های داخلی مشروعیت صلاحیت جهانی خود را از عرف یا معاهده بین‌المللی و قوانین ملی کشور متبوع کسب می‌نمایند. در نتیجه این دادگاه‌ها نمی‌توانند جرائم مشمول اصل صلاحیت جهانی را مورد رسیدگی قرار دهند مگر اینکه در مقررات ملی کشور متبوع و طبق اصول حقوق بین‌الملل و گاهی مستقیماً به موجب عرف یا کنوانسیون بین‌المللی از صلاحیت برخوردار باشند. در مقابل برخی باتوجه به استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لوتوس در ۱۹۲۷ معتقدند دادگاه داخلی یک کشور می‌تواند صلاحیت جهانی را اجرا نماید حتی اگر نتواند به ماده قرارداد خاصی استناد نماید، زیرا هیچ قاعده حقوق بین‌المللی وجود ندارد که او را از این عمل منع نماید. باتوجه به آن چه که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر شمرده شده و از آن به عنوان منابع حقوق بین‌الملل یاد می‌شود، علاوه بر معاهدات بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی، اصول کلی حقوقی، رویه قضائی بین‌المللی و عقاید برجسته‌ترین اندیشمندان حقوقی نیز در شمار این منابع قلمداد می‌شوند که دادگاه‌ها در موضوع مورد بحث به آنها استناد می‌کنند چه علاوه بر اصل رضایت دولت‌ها و رفتار متقابل به عنوان مبنای سنتی حقوق بین‌الملل واصل لزوم وفای به عهد و اصل لزوم رعایت معاهدات، از یک سو و اصل التزام دولت‌ها در قبال قواعد عرفی بین‌المللی مانند اصول کلی حقوقی، رویه قضائی بین‌المللی و عقاید برجسته‌ترین دانشمندان حقوق نیز مبنای التزام و تبعیت

کشوری جلب کند که قانون او را نقض کرده است و آن قاضی که به خود می‌بالد چنین مجرمی را بی کیفر گذاشته است خود معاون اول در جرم محسوب می‌شود، (حسینی نژاد، ۱۳۹۱: ۹۱).

۶- منشاء ایجاد صلاحیت جهانی

از منظر بین‌المللی (حقوق بین‌الملل) منشأ صلاحیت جهانی ممکن است معاهده یا عرف باشد. معاهدات یا کنوانسیون‌های بین‌المللی به عنوان وسیله‌ای رایج و مناسب برای بیان اهداف مشترک دو یا چند کشور و پیش‌بینی طریق نیل به آن اهداف به کار می‌روند. به‌طور کلی در کنوانسیون‌های بین‌المللی، صلاحیت جهانی دولت‌های عضو کنوانسیون به یکی از دو شکل ذیل پیش‌بینی می‌شود در برخی از کنوانسیون‌ها، دولت‌های عضو، قطع‌نظر از محل ارتکاب، برای رسیدگی به جرائم موردنظر کنوانسیون صلاحیت دارند و ملزم به تعقیب و محاکمه متهمین جرائم مذکور در دادگاه‌های خود هستند. این کنوانسیون‌ها به‌تنهایی قابل اجرا هستند، یعنی به طور مستقیم در کشورهای عضو قابل اجرا هستند و نیازی به تصویب قانون جداگانه‌ای برای تأیید صلاحیت پیش‌بینی شده در آن کنوانسیون‌ها نیست. به عبارت دیگر، به‌صرف تصویب یا الحاق توسط مقامات پیش‌بینی شده در قانون اساسی و ورود کنوانسیون به حقوق داخلی، دادگاه‌های آن کشور می‌توانند خود را صالح به رسیدگی به جرائم موردنظر بشناسند، بدون اینکه نیازی به تصویب قانونی جداگانه برای تأیید صلاحیت پیش‌بینی شده در آن کنوانسیون وجود داشته باشد؛ اما دسته دوم کنوانسیون‌هایی هستند که خود مستقیماً به نفع دولت‌ها ایجاد صلاحیت نمی‌کنند؛ بلکه از آنها می‌خواهند که با اتخاذ تدابیر لازم یعنی وضع قانون در حقوق داخلی خود، صلاحیت جهانی خویش را نسبت به جرائم موردنظر کنوانسیون تثبیت نمایند. لذا در این کنوانسیون‌ها که تعدادشان زیاد است، صلاحیت مذکور به طور مستقیم از کنوانسیون ناشی نمی‌شود، بلکه کنوانسیون تنها دولت‌ها را ملزم به ایجاد صلاحیت برای خود می‌نماید. در نتیجه استقرار صلاحیت به نفع دادگاه‌های

جزایی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود. بررسی تطبیقی با نظام حقوقی سایر کشور مؤید این امر است که غالب کشورها قوانین، لوایح و طرح‌هایی در راستای تأیید، پذیرش و اعمال اصل صلاحیت جهانی مصوب کرده‌اند من جمله در فرانسه به موجب ماده ۲۱۱-۱ ضمن جرم انگاری جریان نسل‌کشی و سایر جرائم علیه بشریت مجازات حبس جنایی ابد را تعیین کرده است. قانون‌گذار کانادایی بخشی از قانون جزای کانادا را به جرم جنگی و جرم علیه بشریت اختصاص داده است. قانون‌گذاران بلژیک، اتیوپی، انگلستان، هلند در باب اصل صلاحیت جهانی و جرائم جنگی قانون وضع کرده‌اند در قانون جزای آلمان، نسل‌کشی و جرائم مربوط به انرژی اتمی، مواد منفجره و رادیواکتیو حمله به حمل و نقل دریایی و هوایی ف قاچاق انسان، پخش غیرقانونی مواد مخدر اشاعه هرزه‌نگاری جعل اسکناس و اوراق قرضه و کارت اعتباری تقلب در رویدادهای اقتصادی و اعمالی که هرچند در خارج واقع شده ولی بر اساس معاهدات بین‌المللی برای آلمان قابل تعقیب و مجازات هستند. بعلاوه آلمان با تصویب قانون جنایات حقوق بین‌الملل (۲۰۰۲) جنایات اصلی داخل در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی را مشمول اصل صلاحیت جهانی خود قرار داده است و در حال حاضر فعال‌ترین کشور در اجرای اصل صلاحیت جهانی است. در حقوق آمریکا، اصل صلاحیت جهانی تنها به دزدی دریایی در دریای آزاد محدود بوده است ولی از سال ۱۹۸۶ علاوه بر دزدی دریایی به جرائمی مانند تجارت برده، حمله به هواپیما نسل‌کشی و برخی اعمال تروریستی توسعه داده شده است. البته بررسی پرونده‌های مرتبط با صلاحیت جهانی در آمریکا (پرونده یوسف، یونس، دمجانجاک،...) نشان‌دهنده توسعه صلاحیت جهانی به صورت افراطی و در راستای حمایت از منافع آمریکا بوده است. با اشاره به آنچه گفته شد، مساله ماهیت اصل جهانی مستلزم بررسی دو نکته متفاوت است. نکته اول اینکه، در ابتدا باید احتمال اجباری یا اختیاری بودن این اصل را در مورد هر کشور بررسی کرد تا اینکه دادگاه‌های این کشورها

دولت‌ها از نرم‌ها و قواعد مشترک بین‌المللی به شمار می‌روند. منظور از اصول کلی حقوق بین‌الملل، اصولی است که از رعایت برخی قواعد اساسی توسط همه ملت‌ها در موارد مشابه ناشی می‌شوند، بی‌آنکه نیازی به وضع قانون توسط مراجع داخلی یا بین‌المللی باشد؛ مانند حمایت از حقوق بشر یعنی حقوق و آزادی‌های بنیادینی که در مورد بشر بماهو بشر و توسط همگان می‌بایست محترم شمرده شوند. اصول کلی حقوقی، به صورت حقوق موضوعه نیستند؛ بلکه خلأ ناشی از نقص حقوق قراردادی و عرفی را پر می‌کنند، (رستم زاده، ۱۳۸۴: ۲۳).

در این مورد نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به حق شرط نسبت به کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی قابل توجه است که در آن دیوان خاطر نشان ساخت که «... اصولی که زیر بنای این کنوانسیون را تشکیل می‌دهند اصولی هستند که ملل متمدن، حتی بدون هر گونه رابطه قراردادی بر دولت‌ها الزام‌آور شناخته‌اند».

نتیجه‌گیری

اصل صلاحیت جهانی محل تلاقی دو رشته حقوق جزا و حقوق بین‌الملل است. هم در حقوق جزا و حقوق جزای بین‌الملل و هم حقوق بین‌الملل جزایی و با کمی اغماض در حقوق بشر قابل مطالعه است؛ یعنی حقوق دانان هر یک از این رشته‌ها به این اصل توجه و با مبانی رشته خود این اصل را تجزیه تحلیل می‌کنند. اصل صلاحیت جهانی و تحولات آن در دو بعد کلی قابل مطالعه است: ۱- بعد داخلی (ملی) ۲- بعد بین‌المللی، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد. لایحه قانون مجازات اسلامی: به جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می‌شود، اگر در ایران دستگیر گردد، طبق قوانین

- بین المللی»، مجله حقوقی بین الملل، دوره ۲۲، شماره ۳۳.
۶. شاو، مالکوم ناتان. (۱۳۸۹). *حقوق بین الملل*، مترجم، وقار، محمد حسین، ج ۳، انتشارات اطلاعات.
۷. شریعت باقری، محمد جواد. (۱۳۹۷). *حقوق کیفری بین المللی*، ج ۱۵، تهران، انتشارات جنگل.
۸. شریفی طرازکوهی، حسین. (۱۳۷۵). *قواعد آمره و نظم حقوق بین المللی*، ج ۱، تهران، ناشر، اداره نشر وزارت امور خارجه
۹. طهماسبی، جواد. (۱۳۸۸). *صلاحیت دیوان کیفری بین المللی*، ج ۱، تهران، انتشارات جاودانه.
۱۰. عمید، حسن. (۱۳۷۱). *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۱. کریم پور، مریم. (۱۳۸۴). «اصل صلاحیت جهانی در حقوق ایران و حقوق جزای بین الملل»، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه مازندران.
۱۲. لواسور، ژرژ؛ استفانی، گاستون؛ بولک برنار. (۱۳۷۸). *آیین دادرسی کیفری: موضوع و نهادهای دادرسی کیفری*، مترجم، دادبان، حسن، ج ۱، چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. مولایی، یوسف (۱۳۷۵). «وابستگی متقابل حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی در مساله صلاحیت» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۵.
۱۴. مولایی، یوسف. (۱۳۷۵). «وابستگی متقابل حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی در مساله صلاحیت» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۵.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). *علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری*، ج ۵، تهران، انتشارات سمت، تهران.

خود را به ابزار و امکاناتی که در اجرای صلاحیت جهانی ضروری به نظر می رسد مجهز نمایند. در این حالت تأسیس صلاحیت جهانی نمی تواند یک کشور را ملزم کند مگر در صورتی که آن کشور به کنوانسیون که این صلاحیت را پیش بینی کرده است پیوسته باشد. به علاوه باید این کنوانسیون تکالیفی را در این خصوص بر عهده کشور مزبور قرار داده باشد و یا با تحول حقوق عرفی، این انتظار برآورده شود که کشورها در مورد جرائم خاصی ملزم به اجرای این صلاحیت باشند. نکته دوم اینکه، باید حدود اختیارات مقامات داخلی را در زمانی هم که شرایط اعمال این صلاحیت فراهم باشد تعیین نمود تا معلوم شود دادگاه های داخلی یک کشور در چه شرایطی می توانند به نحو مؤثر امر تعقیب را انجام دهند زیرا مثلاً در کشورهای دارای نظام قانونی بودن تعقیب، اصولاً قانون آن کشور، دادستان را در صورتی که استرداد تقاضا نشده یا مورد موافقت قرار نگرفته، مکلف به تعقیب دعوی عمومی می کند. بالعکس در کشورهای با نظام موقعیت داشتن (مقتضی بودن) تعقیب، در صورت عدم استرداد، دادستان در ارزیابی تناسب تعقیب آزاد می باشد.

منابع و مأخذ

۱. آزمایش، علی. (۱۳۸۱). «تقریرات درس حقوق بین الملل کیفری»، کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۲. آشوری، محمد. (۱۳۸۲). *آیین دادرسی کیفری*، ج ۲، چ ۳، تهران، انتشارات سمت.
۳. حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۹۱). *حقوق کیفری بین المللی*، چ ۴، تهران، نشر میزان.
۴. خالقی، علی. (۱۳۸۲). «محاكمه صدام حسین و مساله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین المللی»، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۲، شماره ۴.
۵. رستم زاده، حسینقلی. (۱۳۸۴). «جامعه بین الملل و تعهدات